

گفتارهایی پیرامون

شهر و شهرسازی اسلامی

تألیف:

دکتر محمد مهدی

(دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه سراسر اصفهان)

احسان بابائی

سرشناسه	: مسعود، محمد، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: گفتارهایی پیرامون شهر و شهرسازی اسلامی/ تالیف محمد مسعود، احسان بابائی.
مشخصات نشر	: تهران: آذرخش، ۱۳۹۶ .
مشخصات ظاهری	: ۱۹۲ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جدول (بخشی رنگی)، نمودار (بخشی رنگی).
شابک	: ۱۸۰۰۰۰ ریال: 978-600-98385-1-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: شهرها و شهرستان‌های اسلامی
موضوع	: Islamic cities and towns
موضوع	: شهرسازی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع	: City planning -- Religious aspects -- Islam
موضوع	: معماری اسلامی
موضوع	: Islamic architecture
شناسه افزودن	: بابائی، احسان، ۱۳۶۵ -
رده بندی کُره	: HT۱۴۷/۵/م۵۷ ۱۳۹۶
رده بندی دیوید	: ۳۰۷/۱۳۰۹۱۷۶۷۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۱۳۷۱۰۰

www.ketab.ir

اندیشه‌ات آذرخش

www.azar.kfshpub.com

گفتارهایی پیرامون شهر و شهرسازی اسلامی

مؤلفان: محمد مسعود، ابوالحسن بائی

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - نبش خیابان دانشگاه

پاساژ فرشته - شماره ۱۳۲۰ - کتابفروشی ارس

تلفن: ۶۶۴۹۳۳۰۱ - ۶۶۴۱۷۳۴۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۳۸۵-۱-۶

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
ماهیت، ویژگی‌ها و زمینه پیدایش انگاره «شهر اسلامی».....	۱۹
مقدمه.....	۱۹
روش تحقیق.....	۲۰
ریشه‌ها- پیدایش انگاره «شهر اسلامی».....	۲۱
رویکردهای معرفت‌شناسانه به «شهر اسلامی»؛ ۳ دیدگاه.....	۲۶
نتیجه.....	۳۴
فهرست منابع.....	۳۷
تبیین یک چارچوب مفهومی برای «شهر اسلامی».....	۳۹
مقدمه.....	۳۹
روش تحقیق.....	۴۱
چارچوب مفهومی «شهر اسلامی».....	۴۴
آرمان‌شهر نظری-تجربیدی.....	۴۴
آرمان‌شهر عینی.....	۴۵
کالبد اسلامی.....	۴۶
پارادوکس میان شکوه و سادگی.....	۴۷
تناظر.....	۴۷
محصول تمدن.....	۴۸
قرآنی.....	۵۰
روایی/حدیثی.....	۵۲
تمایز با شهر غربی.....	۵۳
تمایز با شهر پیش از اسلام.....	۵۴
تمایز با شهر مدرن.....	۵۵
تاریخی-سنتی.....	۵۶
فلسفه ساخت.....	۵۷

۵۱	فرازمائی-فرامکانی
۵۱	نهادی
۵۹	فقهی-شرعی
۶۱	قانونی
۶۳	انطباق با مفاهیم مدرن
۶۴	نتیجه گیری
۷۱	فهرست منابع
۷۵	تحلیلی بر مآلعه «شکل شهر اسلامی»
۷۶	مقدمه
۷۷	روش تحقیق
۷۸	رویکرد هنجاری در برابر رویکرد شناختی
۷۹	رویکرد برون نگر در برابر رویکرد درون نگر
۸۰	نقشه ای کردن مطالعات شکل شهر اسلامی
۸۱	مطالعات برون نگر-هنجاری
۹۱	نتیجه گیری
۹۵	فهرست منابع
۹۹	آیا «شهر اسلامی» مسئله است؟ جستاری بر تجلی اسلام در شهر و شهرسازی
۱۰۰	مقدمه
۱۰۱	انگاره «شهر اسلامی»
۱۰۳	گذر از «شهر اسلامی»
۱۰۵	دین اسلام، شهر و شهرسازی
۱۰۷	تمدن اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۰۸	اخلاق اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۰۹	هنر اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۱۲	شریعت اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۱۲	مناسک اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۱۴	فرهنگ اسلامی، شهر و شهرسازی
۱۱۶	نتیجه گیری

۱۱۸	فهرست منابع
۱۲۱	نظریه هنجاری و ویژگی‌های آن در مطالعات شهری
۱۲۱	مقدمه
۱۲۲	ادبیات تحقیق
۱۲۵	روش‌شناسی
۱۲۸	ماهیت نظریه هنجاری شهری: پنج گزاره‌ی تبیین‌گر
۱۳۶	نتیجه‌گیری
۱۳۹	فهرست منابع
۱۴۳	تحلیل موقعیت به‌مناسبت با روشی در «شهرسازی اسلامی»
۱۴۴	مقدمه
۱۴۷	روش تحقیق
۱۴۹	شهر اسلامی
۱۵۰	تحلیل موقعیت به‌مثابه ابزاری برای ال‌اچ پژوهش
۱۵۲	نقشه‌ای کردن در تحلیل موقعیت به‌عنوان روش کیفی
۱۶۲	نتیجه‌گیری
۱۶۹	در خاتمه
۱۷۹	کتابنامه

پیشگفتار

لزوم هماهنگی طراحی و برنامه‌ریزی شهری با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه مورد تأیید و تأکید متخصصان و حرفه‌مندان این عرصه است. ترجمان این گزاره در کشور ما، هم‌آوایی هرگونه اقدام مرتبط با ساماندهی کالبد انسان‌ساخت با اصل و ارزش‌های اسلامی است که در سالیان اخیر مورد توجه دست‌اندرکاران نظام‌های علمی دخیل، مدیران، پژوهشگران و حرفه‌مندان بوده است. این توجه و تلاش‌های متعاقب آن، نموده‌های گوناگونی در این عرصه داشته است، از ترجمه و تألیف کتاب‌ها و پژوهش‌های گوناگون تا برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مختلف و همچنین تدوین طرح‌ها و قوانین متنوع و نیز تشکیل دوره‌های آموزشی مرتبط در مقاطع تحصیلی مختلف که می‌توان آن‌ها را ذیل عنوان شهرسازی اسلامی صورت‌بندی کرد، توانی که مذاقه و تحدید حدود و تعیین روشن اهداف آن مورد نیاز است.

شهرسازی اسلامی عرصه‌ای است که طیف وسیعی از متخصصان، دانش‌پژوهان و فعالین حرفه‌ای از نظام‌های علمی مختلف، علایق و آرمان‌های خود را در آن جستجو می‌کنند. نتیجه این تنوع و تکثر، رشد روزافزون منابع و دست‌آوردهای پژوهشی در این عرصه از دانش است که به واکاوی موضوع از نظرگاه‌های مختلف و با چشم‌اندازها و اندیشه‌های متفاوت و گاه متضاد می‌پردازند. بااین‌حال بررسی این طیف وسیع منابع، نشان از برخی کمبودها و ناهماهنگی‌ها در این زمینه دارد. یکی از مهم‌ترین مسائل، فقدان تعاریف و توصیفاتی مورد توافق از مفاهیم پایه در این عرصه است که نتیجه آن، عدم وجود یک نظریه منسجم و همه‌جانبه در خصوص ویژگی‌ها، ابعاد و الزامات شهرسازی اسلامی است. گذشته از این امر، به نظر می‌رسد دست‌اندرکاران دخیل در این

زمینه، توجه کافی به تلاش‌های پیشین - به‌خصوص سابقه نزدیک به یک‌صدساله موضوع - نداشتن و هر بار کوشیده‌اند اثر خویش را با تعریف مفاهیم و موضوعات ابتدایی آغاز کنند، آثاری که در بیشتر مواقع گام از عرصه توصیف و تشریح فراتر نگذاشته‌اند و به بازتولید کلیشه‌های رایج پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، تکرار پی‌درپی دعاوی و گزاره‌هایی مشخص در باب شهر و شهرسازی اسلامی، به‌طور ضمنی راه را بر به‌کارگیری روش‌های علمی - به‌ویژه روش‌های علمی متداول در معماری و شهرسازی - در این عرصه مسدود کرده است به‌گونه‌ای که جستجوی منابعی که به‌صورت تخصصی به روش تحقیق در شهرسازی اسلامی متکی باشند به نتایجی ناامیدکننده منجر می‌شود. اثر حاضر به عنوان گامی مقدماتی در این زمینه، گرچه نام «گفتارهایی پیرامون شهر و شهرسازی اسلامی» را به خود گرفت است، می‌کوشد از شهر اسلامی (با تمامی مفاهیم مستتر در خویش) به‌سوی شهرسازی اسلامی حرکت نماید. مجموعه از فصل‌هایی مجزا تشکیل شده است و تلاش شده است تا هر یک از فصول به‌تنهایی مفهوم و معنای مدنظر خویش را به‌روشنی ارائه نماید. بر این اساس در هر مورد ابتدا خلاصه‌ای از محتوای هر فصل ارائه شده، سپس با ارائه هدف و پیشینه بحث در مقدمه، به روش تحقیق و در ادامه، موضوع اصلی موردتوجه در آن فصل پرداخته و نهایتاً به نتیجه‌گیری اقدام شده است. از سوی دیگر تلاش شده است تا پیگیری متوالی فصل‌ها، ضمن ارائه تصویری روشن از دیدگاه‌های مختلف و مهم‌ترین اندیشمندان مربوطه، وجوه مختلف شهر و شهرسازی اسلامی را ارائه نماید.

مجموعه حاضر را می‌توان به سه بخش کلی تقسیم کرد. بخش اول به انگاره شهر اسلامی اختصاص دارد و کوشش شده تا در سه فصل پیشینه، زمینه و ویژگی‌های انگاره‌های رایج و پایای مختلف موردبحث و بررسی قرار گیرد. بخش دوم کفایت انگاره شهر اسلامی - آن‌چنان‌که به پژوهش‌های مختلف موردتوجه و استناد قرار گرفته است - را مورد بازبینی قرار داده و در آن است تا با نگاهی هنجاری، الزامات طراحی و برنامه‌ریزی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی را موردتوجه و تأکید قرار دهد. بخش سوم نیز تلاشی است برای ارائه یک روش تحقیق متناسب با ویژگی‌های شهرسازی اسلامی. ادامه این پیشگفتار به‌مرور مختصر فصول شش‌گانه این کتاب اختصاص دارد.



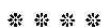
فصل اول به بررسی ماهیت، ویژگی‌ها و زمینه پیدایش انگاره شهر اسلامی می‌پردازد. شهر اسلامی گرچه انگاره‌ای است که سهل و ممتنع می‌نماید و به‌کرات در معانی و کاربردهای متفاوت و گاه

متضاد استفاده شده، اما مقوله‌ای مناقشه آمیز، چندپهلوی، غیرقطعی و مجادله انگیز است. جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل تلاش‌های صورت گرفته در تعریف این انگاره و دسته‌بندی نگاه‌های مختلف - به‌عنوان هدف این فصل - می‌تواند نقطه آغازی برای دستیابی به اجماع در این عرصه باشد.

بر این اساس این فصل ضمن بررسی زمینه و پیشینه انگاره شهر اسلامی، به بررسی مهم‌ترین دیدگاه‌ها در این خصوص می‌پردازد و در پی آن است تا با بررسی اصلی‌ترین منابع مربوطه و با تمرکز بر پرسش‌های معرفت‌شناختی در خصوص راه‌های کسب معرفت در خصوص شهر اسلامی، ضمن دسته‌بندی انواع نگرش‌ها و دیدگاه‌های مربوطه، به بررسی انتقادی آن‌ها بپردازد. در بررسی مطالعات موجود، سه نوع مواجهه غالب با مقوله‌ای به نام شهر اسلامی مشاهده می‌شود. به بیان دیگر واقعیتی پذیرفته شده به نام شهر اسلامی به سه طریق شناسایی می‌شود: قیاس، توصیف و ترجمه/تبدیل. فصل یک با نگاهی انتقادی به بررسی آن‌ها می‌پردازد. مقصود از قیاس آن است که شهر اسلامی در مقایسه و قیاس با مفهومی دیگر شناخته می‌شود، این مفهوم مورد مقایسه در بیشتر تاریخ مطالعه یک مدل‌واره شهر اسلامی، شهر ایده‌آل وبری بوده است. در روش دوم، ارائه توصیفی از شهرهای دارای اکثریت مسلمان، یا قرار گرفته در حکومت‌های اسلامی و یا شهرهایی که در مناطقی خاص - از جمله شمال آفریقا، خاورمیانه - به شناخت ابعاد انگاره شهر اسلامی می‌انجامد. و نهایتاً ترجمه/تبدیل، این نگاه بیشتر تأثیر را از دیدگاه‌های شرق‌شناسان نخستین پذیرفته است. این پژوهشگران تفسیری اروپایی در شهرسازی اسلامی به‌عنوان جزئی لاینفک از مکتب شرق‌شناسی ارائه نموده‌اند، بر این اساس استدلال این پژوهشگران در باب شهر اسلامی و شهرسازی مسلمین اساساً هماهنگ با انگاره بنیادین شرق‌شناس است که مطابق با آن، هر پدیده موجود در مدنیت و شهرگرایی کشورهای مسلمان، نهایتاً نوعی از اسلام مشروط شده و مرتبط با اسلام است.

منتج از بررسی‌های انجام‌شده، امروزه انگاره شهر اسلامی آن‌چنان‌که توسط پژوهشگران و محققان عمدتاً غربی تعریف و توصیف شده و سعی در معرفی اجزای آن داشتند، مورد نقد قرار گرفته و بسیاری از کمبودها و نارسایی‌های آن آشکار شده است. مدل ارائه‌شده توسط این گروه - که ذیل عنوان شرق‌شناسان نام‌گذاری شده‌اند - در پی معرفی سکونتگاه‌های مسلمانان به‌عنوان موجودیتی ایستا و فاقد سازمان اجتماعی است و صرفاً دوره پیشامدرن - آن‌هم ذیل مناطق جغرافیایی خاص و اعصار تاریخی متفاوت و گاه بی‌ارتباط با یکدیگر - را در نظر داشته و نسبت

به شهر معاصر یا بدون نظر است و یا اصولاً ایجاد شهر اسلامی را در دوره معاصر را ناممکن دانسته و نسبت به آن سکوت اختیار کرده است. بر این اساس بر پایه دیدگاه‌های پژوهشگران از چند رشته خاص و مبنی بر تعمیم‌های عمدتاً فاقد استدلال منطقی، شهر اسلامی را به مجموعه‌ای از چند عنصر خاص تقلیل داده است.



در ادامه‌ی تمرکز بر انگاره شهر اسلامی، فصل دوم در پی ارائه یک چهارچوب مفهومی برای شهر اسلامی است. بر این مبنا با به‌کارگیری «روش تحلیل چارچوب مفهومی» در پی عرضه یک چارچوب مفهومی برای تبیین این انگاره با استفاده از ادبیات میان‌رشته‌ای موجود در نظام‌های علمی متفاوت متمرکز بر مطالعه شهر اسلامی است. بدین منظور مفاهیم متفاوتی که مشترکاً جهان‌نظری مرضی را تشکیل می‌دهند شرح داده‌شده و تعاملات و ارتباطات محتمل میان آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است.

فرایند تحلیل چهارچوب مفهومی تکمیل‌شونده است و نیازمند حرکت پی‌درپی بین مفهوم و داده‌ها هست و درعین حال تطبیقی است، که یارمند مقایسه دائمی میان انواع شواهد برای کنترل سطح و حیطه مفهومی نظریه در حال دهور است. تحلیل مفهومی، ۱۸ مفهوم متمایز و درعین حال مرتبط را شناسایی نموده است که به هر یک یک یگر، چهارچوب مفهومی شهر اسلامی را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم مجموعاً جهان‌نظری شهر اسلامی را تبیین می‌نمایند، که در قالب ۹ طبقه دسته‌بندی شده‌اند. هر طبقه مشتمل بر یک مفهوم است.

این دسته‌های نه‌گانه عبارت‌اند از: دسته چشم‌انداز آرمانی که نگاه آمانی به شهر اسلامی را عرضه می‌کند؛ دسته کالبدی که هویت کالبد شهر اسلامی را مطمحن نظر قرار می‌دهد؛ دسته کل‌نگر که شهر را جزئی از کلیتی وسیع‌تر می‌انگارد و بدین ترتیب شهر اسلامی را خین انگاره‌هایی وسیع‌تر مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ دسته تمایز که متشکل از مفاهیمی است که شهر اسلامی را به‌واسطه تمایز آن با انگاره‌ای ثانوی مورد مذاقه قرار می‌دهد؛ دسته واقعیت که مفاهیمی را در برمی‌گیرد که شهر اسلامی را به‌مثابه واقعیتی تاریخی که در قلمرو جغرافیایی زیست و حکومت مسلمانان ایجادشده‌اند تلقی می‌نماید؛ دسته فرا کالبدی که جنبه‌هایی از شهر اسلامی را عرضه می‌دارد که دغدغه آن‌ها در خصوص ماهیت، چیستی و ویژگی‌های شهر اسلامی، مقولاتی ورای کالبد آن است؛ دسته حقوقی که به ماهیت و ابزارهای حقوقی نیل به شهر اسلامی می‌پردازد؛ دسته انطباق که در پی تطبیق شهر اسلامی با مفاهیم معاصر مورد توجه است.

این دسته‌ها و مفاهیم آن‌ها، همراه باهم یک درک کلان نگر و میان‌رشته‌ای از شهر اسلامی مهیا می‌سازند. مفاهیم سازنده چهارچوب مفهومی، از نظام‌های علمی گوناگون منتج شده و مشارکت رشته‌های مختلف علمی به‌طور عام و برنامه‌ریزان شهری به‌طور ویژه را بیان می‌دارند.

فصل سوم بر شکل شهر اسلامی متمرکز شده است. استدلال اصلی این فصل این است که هم‌نشینی واژه شهر با صفت اسلامی، از یک سو طیف گسترده‌تری شامل تاریخ‌دانان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان، باستان‌شناسان، شرق‌شناسان و ... را درگیر مطالعات مربوطه نموده و از سوی دیگر، ترارگیری انگاره شهر اسلامی - با هر تعریف و مفهومی که از آن مستفاد می‌شود - در تقاطع نظام‌های علمی گوناگون، طیف وسیعی از سنت‌ها، برنامه‌های تحقیقاتی، سیستم‌های تحلیلی و ... را که به‌طور خاص از موضوع‌های پژوهشی و اهداف تحقیقاتی متفاوت متأثر شده‌اند، موجب گشته که به‌نوبه خود در مطالعات شکل شهر اسلامی را گسترده‌تر کرده است. بر این اساس بخش قابل‌توجهی از اسفنگ‌ها و جدل‌های موجود در عرصه مطالعات شکل شهر از تنوع (به‌بیان دیگر ناسازگاری) بنیادهای نظری و درداستفاده توسط پژوهشگران با پیشینه فلسفی و روش‌شناختی متفاوت ناشی می‌شود. از این منظر تبیین بنیادهای فلسفی و شناختی پژوهش‌های مختلف، بهبود فهم مشترک، به‌رغم واژگان و زبان متفاوت و در نتیجه برقرار نمودن گفتگو را محتمل می‌نماید.

در حصول به این هدف، این فصل بر مبنای مدل پیشنهادی کایر و جیلیلاند ضمن به‌کارگیری و ارزیابی این مدل در زمینه‌ای فراتر از مشترکات صرفاً جغرافیایی، بررسی و دسته‌بندی مطالعات انجام‌شده در خصوص شکل شهر اسلامی است و به این روش پاسخ می‌دهد که مطالعات شکل شهر اسلامی چه روندهایی را پیموده و مجموعه پژوهش‌های انجام‌شده در این عرصه، چه نقشی در پیریزی یک نظریه منسجم شهرسازی اسلامی می‌تواند داشته باشد؟

بر این اساس چهار دسته مختلف از مطالعات مربوط به شکل شهر اسلامی مورد شناسایی و بحث قرار گرفته و در قالب یک نقشه مختصات دکارتی ترسیم و ارائه شده‌اند: مطالعات برون‌نگر-شناختی که آن دسته از پژوهشگران شکل شهر و دگرگونی‌های محیط ساخته‌شده شهر را در خود جای‌داده که به‌طور برجسته متکی بر چارچوب‌های تبیینی بر پایه شرایط خارجی توسعه هستند؛ مطالعات درون‌نگر-شناختی که شامل مطالعات علمی گوناگونی درباره شهر به‌عنوان شیء و فرمی فضایی است و آن دسته که محیط ساخته‌شده آن را به‌عنوان یک سیستم مفهوم‌سازی

کرده‌اند؛ مطالعات برون‌نگر-هنجاری که شامل مطالعاتی است که رویکردهای عملی به فرایندهای درگیر با ساخت بافت‌های شهری را توسعه داده‌اند؛ و مطالعات درون‌نگر-هنجاری که مطالعات این دسته را می‌توان به‌عنوان پژوهشگران هنجاری طراحی شهری توصیف کرد، زیرا هدف آن‌ها تدبیر فرم شهری‌ای است که باید بنا شود.



فصل چهارم این مدعا را مطرح می‌کند که فقدان نظریه‌ای جامع که رابطه میان شهر و اسلام و از آن طریق شهرسازی اسلامی را مدون نموده باشد باعث شده تا در عرصه پژوهش و تدریس، در فقدان تئوری هر کس هر بار از مفاهیم پایه آغاز نماید. به بیان دیگر به جای شروع از وضع موجود و سپس پرداختن به موضوعات اساسی و به پیش بردن عرصه، باید چرخ را مجدداً اختراع نماید. منتج از شرایط پیش گفته، بسیاری از مطالعات مرتبط با شهرسازی اسلامی، در گام اول وجهه همت خویش را بر تعریف شهر اسلامی معطوف نموده‌اند و تلاش دارند پس از تشریح و توصیف آن، راه‌های ایجاد محیط شهری و بستن آن شهرسازی منطبق با اسلام را تبیین نمایند.

بر این اساس این فصل به‌عنوان نام، استبداتی و اساسی در حرکت به سوی یک تئوری تبیینی، کوشش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که آیا دستیابی به محیط شهری هماهنگ با ارزش‌های اسلامی و مناسب زیست مسلمانانه - چنانکه قانون معمول بوده است - نیازمند گذر از انگاره شهر اسلامی است؟ به بیان دیگر آیا شهر اسلامی مسئله است؟ و پس از پاسخ به این سؤال، جلوه‌هایی از اسلام را که می‌توانند - و باید - در طراحی و برنامه‌ریزی شهری بر اساس ویژگی‌های اسلامی مورد توجه قرار گیرند را مورد مذاقه قرار می‌دهد. به بیان دیگر این فصل در پی آن است تا عرصه‌هایی که می‌توان آن‌ها را به صفت اسلامی موصوف نمود را بدان طریق شهرسازی اسلامی را تبیین کرد را عرضه نماید.

این فصل نتیجه می‌گیرد که مسیر ساماندهی شهری مناسب زیست مسلمانانه و به تبع آن تبیین و تعریف شهرسازی اسلامی الزاماً از انگاره شهر اسلامی نمی‌گذرد. بر این اساس، اسلام باید به‌عنوان عاملی حائز اهمیت در فعالیت‌های مربوط به طراحی و برنامه‌ریزی شهری شهرهای مسلمانان مورد توجه قرار گیرد، اما این امر مستلزم توجه به تجلیات مختلف معاصر اسلام و تدقیق ارتباط و نقش هر یک از این تجلیات با محیط زیست و امکاناتی است که برای شکل‌دهی شهرها در اختیار قرار می‌دهد. این تجلیات ذیل عناوین تمدن اسلامی، اخلاق اسلامی، هنر اسلامی، فقه/شریعت اسلامی، مناسک اسلامی و فرهنگ اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.